





شناسنامه کتاب:

دسته بندی: کتاب
نام اثر: اسرار ذهن ثروتمند
نام نویسنده: تی هارواکر
مترجم: ناشناس
تایپست: Lunika
طراح: آیناز فرزندماه
ویراستار: Pegah.a
کپیست: Lunika

این کتاب در سایت **تک رمان** آماده شده است

www.taakroman.ir

خلاصه:

مقدمه: چه تفاوت هایی بین ثروتمندان و فقرا در نحوه اندیشیدن و باورها

وجود دارد؟



باور شماره ۱

❖ آدم‌های ثروتمند معتقدند: «من، زندگی خویش را خودم می‌سازم.»

❖ آدم‌های فقیر معتقدند: «زندگی برای من تصادفی پیش می‌آید.»

اگر خواهان به دست آوردن ثروت هستید، اعتقاد داشتن به این مسئله که عنان زندگی و به ویژه وضعیت مالی در دستان شما قرار دارد، خیلی مهم است. اگر به این موضوع اعتقادی ندارید، پس اصولاً باید به این نکته معتقد باشید که روی وضعیت مالی زندگی‌تان کنترل کمی داشته یا کنترلی ندارید؛ بنابراین بر روی رسیدن به کامیابی مالی خود نیز کنترلی نخواهید داشت. این به هیچ وجه نگرش مطلوبی نیست.

آیا به این مسئله توجه کرده‌اید که معمولاً این آدم‌های فقیر هستند که بخت خود را در قرعه‌کشی‌ها می‌آزمایند؟ آن‌ها در واقع به این اعتقاد دارند که پول از طریق افتادن قرعه به نام آن‌ها می‌رسد.

باید این نکته را باور کنید که آگاهانه یا ناآگاهانه، خود شما تنها کسی هستید که می‌توانید موفقیت را برای خودتان به وجود آورید و تنها کسی هستید که کشمکش بین پول و موفقیت را در درون خود خلق می‌کنید.

باور شماره ۲

❖ ثروتمندان با پول با هدف برنده شدن بازی می کنند.

❖ افراد فقیر با پول با هدف بازنده نشدن بازی می کنند.

آدم‌های فقیر در بازی با پول، به جای حالت تهاجمی، حالت تدافعی دارند. اجازه دهید از شما بپرسم. اگر شما در هر بازی یا در هر ورزشی، تنها بر روی دفاع کردن تکیه کنید، شانس شما برای بردن چقدر است؟ بیشتر مردم می‌دانند که خیلی کم یا هیچ.

متأسفانه هدف بیشتر مردم از بازی کردن با پول، به جای به وجود آوردن ثروت و برکت، زنده ماندن و امنیت خاطر است. خوب، حالا هدف و منظور شما چیست؟

هدف آدم‌هایی که به معنای واقعی ثروتمند هستند، داشتن دارایی و خیر و برکت زیاد است، نه به مقدار کم که فقط بتوانند مخارجشان را تأمین کنند؛ بلکه به مقدار خیلی زیاد.

هدف عمده افراد فقیر در بازی با پول چیست؟ در همین حد که از عهده کرایه خانه و قسط و بقیه مخارج بر بیایند برایشان معجزه است! اجازه دهید یک قانون را به شما بگویم. وقتی تصمیم شما این باشد که به اندازه‌ای پول داشته باشید که بتوانید فقط هزینه‌هایتان را پردازید، این دقیقاً همان مقداری خواهد بود که به دست خواهید آورد؛ فقط برای پرداخت هزینه‌ها و نه حتی هزار تومان بیشتر!

باور شماره ۳

- ❖ افراد ثروتمند متعهد به ثروتمند شدن و بهبود زندگی شان هستند.
- ❖ افراد فقیر آرزومند ثروتمند شدن هستند.

اگر از بیشتر مردم بپرسید که آیا مایل هستید ثروتمند شوید یا نه؟ آن‌ها این سوال را احمقانه دانسته و می‌گویند: «معلوم است که می‌خواهم ثروتمند شوم.»

منتها حقیقت این است که بیشتر مردم به طور جدی نمی‌خواهند که ثروتمند شوند. چرا؟! چون در ذهن ناخودآگاه آن‌ها باورهای منفی زیادی در مورد ثروت

و دارایی داشتن وجود دارد که به آن‌ها می‌گویید، برای ثروتمند شدن مشکلاتی وجود دارد.

مانند این باورهای منفی:

- اگر پول را به دست بیاورم و بعد آن را از دست بدهم احساس شکست خواهم کرد.

- نمی‌دانم مردم من را به خاطر پولم دوست دارند یا خودم.

- من مجبورم مخارج و مالیات بیشتری پرداخت کنم.

- کار خیلی سختی است.

- سلامتی خودم را از دست می‌دهم.

- هرکسی از من انتظار کمک خواهد داشت.

و...

افرادی که باورهای منفی مانند بالا دارند، پیام‌های داخلی در مورد ثروتمند شدن را با هم مخلوط می‌کنند. بخشی از شما می‌گوید پول بیشتر داشتن، زندگی را با نشاط‌تر می‌کند؛ اما بعد بخش دیگری به فریاد می‌آید: «اوه، من باید مثل سگ کار کنم!» بعد قسمت دیگری از شما به نجوا در می‌آید: «اوه، بعد از این هرکس در دنیا از من صدقه می‌خواهد!»

این پیام‌های مختلط ممکن است بی‌غرض باشد؛ ولی در واقع همین تناقض‌ها در احساسات و افکار، یکی از عمده‌ترین دلایل ثروتمند نشدن بیشتر مردم است.

باور شماره ۴

❖ ثروتمندان بزرگ و گسترده می‌اندیشند.

❖ افراد فقیر محدود می‌اندیشند.

کلمه‌ی کلیدی در این‌جا ارزش است. این نکته را مهم بدانید که چهار عامل، ارزش شما را در بازار تعیین می‌کند: عرضه، تقاضا، کیفیت، کمیت. به تجربه من، عاملی که برای بیشتر مردم مهم‌تر از بقیه می‌باشد کمیت است. عامل کمیت به بیان ساده این است که یعنی با آن مقدار ارزشی که به بازار تحویل می‌دهید، به چند نفر از مردم خدمت می‌کنید؟ یا این‌که خدمت یا محصول شما بر روی چند نفر تاثیر می‌گذارد؟

شما مایلید چطور زندگی کنید و چطور می‌خواهید این بازی را انجام دهید؟ آیا می‌خواهید در لیگ‌های بزرگ و دسته اولی بازی کنید یا در لیگ‌های کوچک؟ انتخاب با شماست.

بیشتر مردم بازی کوچک در لیگ‌های پایین‌تر را انتخاب می‌کنند. چرا؟ اول به خاطر ترس، آن‌ها شکست را با مرگ برابر می‌بینند و حتی از موفقیت بیشتر گریزانند. دوم این که آن‌ها احساس کوچکی و بی‌لیاقتی می‌کنند و این احساس را در خود ندارند که به اندازه کافی خوب و مهم هستند تا تفاوتی واقعی را در زندگی مردم ایجاد کنند.

باور شماره ۵

❖ آدم‌های ثروتمند بر روی فرصت‌ها تمرکز می‌کنند.

❖ آدم‌های فقیر بر روی موانع تمرکز می‌کنند.

آدم‌های ثروتمند زیاد شدن فرصت‌ها را می‌بینند و آدم‌های فقیر کم شدن آن‌ها را می‌بینند.

آدم‌های ثروتمند روی پاداش‌ها و میوه‌ای که به دست می‌آورند تمرکز می‌کنند؛ ولی تمرکز آدم‌های فقیر روی مخاطره‌ها است.

به این سوال قدیمی می‌رسیم که آیا نیمه لیوان، پر است یا خالی؟

اشخاص فقیر انتخاب‌های خود را بر اساس ترس انجام می‌دهند، ذهن آن‌ها دائم آنچه را که در هر موقعیتی ایراد بوده و یا می‌تواند یک اشکال محسوب شود از نظر می‌گذرانند. معیار اولیه ذهن آن‌ها این است که اگر نشد، چی؟ یا اغلب می‌گویند: نه، نمی‌شود.

اما ثروتمندان همان‌گونه که قبلاً گفتیم، مسئولیت نتایج به دست آمده در زندگی را قبول کرده و براساس این معیار ذهن خود عمل می‌کنند که می‌شود، چون من آن را عملی می‌کنم.

آدم‌های ثروتمند انتظار دارند که موفق شوند، آن‌ها به توانایی‌ها و به خلاقیت خود اعتماد داشته و بر این باور هستند که اگر مسئله‌ای پیش بیاید، می‌توانند راه دیگری را به سوی موفقیت پیدا کنند.

باور شماره ۶

❖ افراد ثروتمند... ثروتمندان و افراد موفق دیگر را ستایش می کنند.

❖ افراد فقیر از آدم های ثروتمند بیزار و متنفر هستند.

آدم های فقیر اغلب با تنفر، حسادت و غبطه به افرادی که موفق هستند نگاه کرده و این طور می گویند: آن ها خیلی خوش شانس هستند.

و یا زیر ل*ب زمزمه می کنند: ای ثروتمندان مزخرف!

باید تصور کنید که اگر آدم های ثروتمند را به هر صورت و شکلی بد بدانید و بخواهید که خودتان آدم خوبی باشید، هیچ وقت نمی توانید ثروتمند شوید.

غیرممکن است، چون این باور یک تناقض بزرگ در شما ایجاد می کند. چطور می توانید فردی شوید که از آن متنفر هستید؟

تنفر و حتی عصبانیت آشکاری که بیشتر مردم فقیر نسبت به ثروتمندان دارند، حیرت آور است.

گویی که ثروتمندان هستند که آن ها را فقیر کرده اند و این گونه ادعا می کنند: بله، درست است. آدم های ثروتمند، همه ی پول ها را به دست آورده اند و چیزی را برای ما باقی نگذاشته اند.

غافل از این که موفقیت و ثروت، فراوان و بیکران است و در همه جا حضور دارد. فقط باید آن را تشخیص داد و از آن استفاده کرد.

باور شماره ۷

❖ آدم های ثروتمند با افراد مثبت و موفق معاشرت می کنند.

❖ فقیران با آدم های منفی و یا شکست خورده معاشرت می کنند.

افراد موفق در افراد موفق دیگر نگاه می کنند تا در خودشان ایجاد انگیزه کنند. آن ها به افراد موفق دیگر به عنوان مدل هایی برای یادگیری نگاه کرده و به خود می گویند: اگر آن ها می توانند انجام دهند، پس من هم می توانم انجام دهم.

الگوگیری یکی از راه های مهم برای یادگیری در افراد است.

افراد ثروتمند از این که دیگران در موفقیت پیش قدم شده اند خوشحال اند؛ چون می توانند اکنون و براساس تجارب آن ها، طرحی را برای خود بریزند که دستیابی آن ها به موفقیت را آسان تر می کند. بنابراین سریع ترین و آسان ترین

راه برای ایجاد ثروت، آموختن این است که افراد ثروتمند که استاد بازی با پول هستند، چگونه بازی می کنند و آن را الگو قرار دهند.

برعکس، آدم های فقیر وقتی در ر*اب*طه با موفقیت کسی چیزی را می شنوند در برابر آن قضاوت و انتقاد کرده و آن ها را به باد مسخره می گیرند و سعی می کنند آن ها را به سطحی که خودشان در آن قرار دارند، تنزل دهند.

انرژی افراد قابل سرایت است. شما یا روی مردم تأثیر مثبت می گذارید یا تأثیر منفی. برعکس آن هم درست است. یا افرادی که با آن ها سروکار دارید روی شما تأثیر مثبت می گذارند یا تأثیر منفی.

آیا می دانستید که در آمد بیشتر مردم به طور متوسط با دوستان صمیمی آن ها بیشتر درصد اختلاف دارد؟ بهتر است نگاه کنید و ببینید که با چه کسی همراهی میکنید و کسانی را که وقت خودتان را با آن ها می گذرانید به دقت انتخاب کنید.

باور شماره ۸

❖ آدم های ثروتمند مشتاق تبلیغ کردن خود و ارزش هایشان هستند.

❖ افراد فقیر اشتیاقی به تبلیغ ندارند.

تنفر از تبلیغ کردن خود، یکی از بزرگترین موانع بر سر راه موفقیت است. افرادی که در ر*اب*طه با تبلیغ کردن از خودشان مشکل دارند، معمولاً ورشکسته هستند. خیلی واضح است اگر در کسب و کاری که متعلق به خودتان است و یا اگر نمایندگی فروش کالایی داشته باشید، مایل نباشید که مردم از شما، کالای شما یا خدمات شما خبر داشته باشند، چگونه می خواهید درآمد کسب کنید؟ حتی به عنوان یک کارمند، اگر نخواهید از فضیلت های خودتان تعریف کنید، کسی که به این مسئله اشتیاق داشته باشد، به سرعت شما را در نردبان ترقی شرکت جا می گذارد. مردم معمولاً به دلیل این که فکر می کنند تعریف کردن از خود، بی ادبی و غرور بی جا می باشد، برتری ها و امتیازهای خودشان را برای افراد بازگو نمی کنند.

این گونه افراد که فروتنی و افتادگی بیش از حد دارند معمولاً افرادی با موفقیت کمتر هستند.

باور شماره ۹

❖ آدم های ثروتمند از مشکلات خود بزرگتر هستند.

❖ آدم های فقیر از مشکلات خود کوچک تر هستند.

ثروتمند شدن مثل قدم زدن در پارک نیست؛ بلکه سفری است پر از پیچ و خم، راههای انحرافی و موانع!

جاده‌ای که به سمت ثروت می‌رود پر از چالش است و دقیقاً به همین خاطر است که بیشتر مردم آن را طی نمی‌کنند؛ آن‌ها به دنبال جر و بحث و دردسر و قبول مسئولیت نمی‌روند. خلاصه این که آن‌ها تمایلی به مشکلات ندارند.

این جاست که یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها، بین افراد ثروتمند و فقیر قرار می‌گیرد. ثروتمندان و آدم‌هایی که موفق‌اند از مشکلات خودشان بزرگ‌ترند. حال آن که افراد ناموفق و فقیر از مشکلات خود کوچک‌تر می‌باشند.

آدم‌های فقیر تقریباً هرکاری را انجام می‌دهند تا مشکلی پیش نیاید و به محض دیدن یک مشکل فرار می‌کنند. از قضای روزگار آن‌هایی که نمی‌خواهند مشکلی داشته باشند، بزرگترین مشکلات را پیدا می‌کنند و مفلوک هستند. دوستان من، راز دست یافتن به موفقیت این نیست که سعی کنیم تا از بروز مشکل خودداری کنیم و یا از دست مشکلات خودمان را خلاص کنیم؛ بلکه راز آن در این است که خودمان را چنان رشد دهیم که از هر مشکلی بزرگ‌تر شویم.

باور شماره ۱۰

❖ ثروتمندان دریافت‌کننده‌های عالی هستند.

❖ فقیران دریافت‌کننده‌های ضعیفی هستند.

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود مردم به ظرفیت کامل مالی نرسند، این است که مردم گیرنده‌های ضعیفی هستند. ممکن است آن‌ها در دادن خوب باشند و یا خوب نباشند؛ ولی در گرفتن، بینهایت بد هستند.

دلیل گیرندگی ضعیف، اول این است که بیشتر مردم حساس بی لیاقتی و بی ارزشی می کنند و این احساس معمولاً از شیوهی تربیت ما می آید. دوم این که مردم گرفتن را یک کار غلط و بد می دانند و فکر می کنند دادن، بهتر از گرفتن است.

این طرز فکری کاملاً بی پایه است؛ چون دادن و گرفتن دو روی یک سکه هستند و باید در توازن کامل باشند.

هر وقت خداوند نعمتی یا پولی به شما عطا کرد، هر چقدر هم که کم و ناچیز بود شکرگزار آن باشید. اگر دریافت کننده خوبی باشید، چیزهای خوب بیشتری به سمت شما می آید.

باور شماره ۱۱

❖ آدم های ثروتمند ترجیح می دهند تا بر اساس دستاوردها به آنها پول پرداخت شود.

❖ آدم های فقیر ترجیح می دهند تا بر اساس زمان به آنها پول پرداخت شود.

درآمد ثابت مشکلی ندارد، به شرطی که با توانایی شما برای به دست آوردن آنچه که ارزشش را دارید، تداخل نکند و معمولاً در این جاست که مشکل به وجود می آید.

فقیران و افراد متوسط ترجیح می دهند یک مستمری و دستمزد ثابتی به آن‌ها پرداخت شود.

آن‌ها نیاز دارند تا خاطر جمع باشند که بدانند دقیقاً مقدار معینی پول در زمانی معین در هرماه دریافت می کنند. آن‌چه که آن‌ها نمی توانند تصور کنند، این است که این خاطر جمعی به بهای سلامتی آن‌ها به دست می آید. زندگی کردن براساس امنیت خاطر، همان زندگی کردن براساس ترس است. در واقع با این عمل، می خواهیم بگوییم: میترسم که نتوانم پول کافی را براساس عملکردم به دست آوردم، بنابراین تنها به میزانی که برای راحتی و زنده ماندن من کافی باشد، پول به دست می آورم؛ اما ثروتمندان ترجیح می دهند براساس نتایجی که فراهم می کنند، اگر نشود به مقدار کلی حتی به مقدار جزئی، به آن‌ها پرداخت شود. معمولاً آدم‌های ثروتمند کسب و کار خودشان را دارند و درآمدشان را ترجیح می دهند براساس کمیسیون یا درصدی بدست آوردند.

ثروتمندان (با وجودی که تضمینی وجود ندارد) شریک بودن در سود و وضعیت بازار را به حقوق‌های بالا ترجیح می‌دهند. ثروتمندان به خودشان و ارزش و توانایی‌هایشان اعتقاد دارند؛ در حالی که فقیران این‌چنین نیستند.

باور شماره ۱۲

❖ ثروتمندان به (هر دو) می‌اندیشند.

❖ فقیران به (این) یا (آن) می‌اندیشند.

ثروتمندان در دنیای برکت و فراوانی زندگی می‌کنند؛ اما فقیران در دنیای محدودیت‌ها به سر می‌برند. البته هر دو در دنیای مادی واحدی زندگی می‌کنند؛ ولی دیدگاه‌های آن‌ها متفاوت است.

افراد فقیر و متوسط از ج*ن*س کمبودها هستند و معتقدند فراوانی فقط مربوط به اطراف ماست و هیچ‌چیز کافی نیست، تو نمی‌توانی همه‌چیز را با هم داشته باشی و... .

اما من و کسی که ثروتمند واقعی است، معتقد است که هر آنچه را می‌خواهید می‌توانید داشته باشید.

آیا طالب پول و ثروت هستید یا سلامتی؟ هر دو!
 آیا می‌خواهید روی تجارت و کار تمرکز کنید یا تفریح و سرگرمی؟ هر دو!
 آیا طالب شغل خوب هستید یا ارتباط نزدیک با خانواده؟ هر دو!
 آدم‌های فقیر همیشه یکی را انتخاب می‌کنند؛ ولی ثروتمندان هر دو را.
 آدم‌های ثروتمند می‌دانند که با کمی خلاقیت می‌شود تقریباً راهی را برای
 داشتن بهترین موارد در هر دو دنیا به دست آورد. از حالا به بعد هر وقت با
 انتخاب این یا آن مواجه شدید، سوالی که باید از خودتان پرسید این است:
 چطور می‌توانم هر دو را داشته باشم؟

باور شماره ۱۳

- ❖ آدم‌های ثروتمند روی ارزش خالص دارایی هایشان تمرکز می‌کنند.
- ❖ آدم‌های فقیر روی درآمد شغلی خودشان تمرکز می‌کنند.

وقتی صحبت پول می‌رسد، معمولاً مردم می‌پرسند چقدر درمیاری؟
 به ندرت این سوال را می‌شنوید که ارزش دارایی‌های شما چقدر است؟

میزان صحیح برای ثروت، ارزش دارایی می باشد، نه درآمد شغلی. همیشه این چنین بوده و خواهد بود. افراد فقیر فقط به میزان درآمد توجه می کنند. ارزش دارایی، ارزش مالی هر آنچه است که شما دارید. برای تعیین ارزش دارایی خود هر آنچه را دارید با هم جمع بزنید. از جمله: نقدینگی ها و سرمایه گذاری ها، سهام، املاک و ...

آدم های ثروتمند تمایز بزرگ بین درآمد شغلی و ارزش دارایی را می فهمند. درآمد شغلی مهم است؛ ولی تنها یکی از چهار عاملی است که ارزش خالص دارایی شما را تعیین می کند. چهار عاملی که نقش تعیین کننده در ارزش خالص دارایی را دارند عبارتند از: درآمد، پس انداز، سرمایه گذاری و ساده زیستی.

باور شماره ۱۴

❖ ادم های ثروتمند پولشان را خوب اداره می کنند.

❖ ادم های فقیر پولشان را بد اداره می کنند.

توماس استانلی در کتاب پرفروش «میلیونر اتاق بعدی» ثروتمندان سرتاسر آمریکای شمالی را مورد بررسی قرار داده است که آن را می توان در یک جمله خلاصه گفت: «ثروتمندان در اداره کردن پول خودشان ماهر هستند.» افراد ثروتمند لزوماً باهوش تر از فقیران نیستند؛ فقط آن ها روش متفاوتی در برخورد با پول دارند. افراد فقیر به دلیل عدم دانش و یادگیری، یا پولشان را بد اداره می کنند یا این که کلاً از پول فرار می کنند. چون فکر می کنند اداره کردن پول، آزادی آن ها را محدود می کند و آن ها را از محدوده آسایش خارج می سازد.

باور شماره ۱۵

❖ آدم های ثروتمند پول خود را میدهند تا برای آنها شدیداً کار کند.

❖ آدم های فقیر شدیداً برای پول خود کار می کنند.

اگر شما نیز مانند بسیاری از مردم باشید، پس با این برنامه بزرگ شده‌اید و باید برای درآوردن پول به شدت کار کرد. با این وجود اگر این گونه تربیت می‌شدید که مهم‌تر این است که پول خودتان را وادار کنید تا برای شما کار کند، خیلی بهتر می‌شد.

جای تردیدی نیست که تلاش زیاد مهم است؛ اما تنها تلاش و کار شما را ثروتمند نخواهد کرد. از کجا این را می‌دانیم؟ نگاهی به دنیای واقعی بیندازید، میلیون‌ها نه، میلیاردها نفر هستند که شب و روز به سختی کار می‌کنند. آیا همه آنها ثروتمند شده‌اند؟ نه! آیا عده‌ای از آنها ثروتمند هستند؟ نه! تصور این که باید برای ثروتمند شدن سخت کار کرد یک تصور کاذب است. با حقوق و دستمزد و یا هر پولی که به دست می‌آوردید، چه کار باید کرد تا این پول رشد کند؟ این سوالی است که شما را از سخت کار کردن به سمت هوشمندانه کار کردن حرکت می‌دهد.

به تجربه‌ی من، شما باید برای پول خود سخت کار کنید، با این حال، برای ثروتمندان این یک وضعیت موقتی است و برای افراد فقیر این یک وضعیت دائمی.

ثروتمندان می‌دانند که هرچه پولشان سخت‌تر برای آن‌ها کار کند، خودشان نیاز به کار کمتری دارند. به یاد داشته باشید که پول انرژی است. بسیاری از مردم انرژی خود را می‌گذارند و انرژی پول را برمی‌دارند. مردمی که در زمینه استقلال مالی پیشرفت می‌کنند، آموخته‌اند که چگونه سرمایه‌گذاری با انرژی و کار را با اشکال دیگر انرژی جایگزین کنند. (مانند نیروی افراد دیگر، سیستم‌های تجاری، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و...)

باور شماره ۱۶

❖ آدم‌های ثروتمند برخلاف ترسی که دارند دست به عمل می‌زنند.

❖ آدم‌های فقیر به ترس اجازه می‌دهند که متوقفشان کند.

یک اصل مهم است که می‌گوید افکار باعث بروز احساسات، احساسات باعث بروز اعمال و اعمال منجر به بروز نتایج می‌شوند.

میلیون‌ها نفر از مردم در مورد ثروتمند شدن فقط فکر می‌کنند و هزاران هزار نفر، ثروتمند شدن را تجسم، تصور و یا مراقبه می‌کنند. تجسم‌ها و تصویرها و مدیتیشن، ابزارهای جالبی هستند؛ اما تا آن‌جا که به شما می‌توانم بگویم، هیچکدام از آنها سرخود پولی واقعی را به دنیای حقیقی شما نخواهند آورد. در دنیای واقعی باید دست به اقدام بزنیم، چقدر اقدام این قدر مهم است؟ اجازه دهید به فرایند تجلی دادن خواسته‌ها برگردیم. به افکار و احساسات نگاه کنید، آیا آن‌ها بخشی از دنیای درونی هستند یا دنیای بیرونی؟ دنیای درونی.

حالا به نتایج نگاه کنیم. آیا آن‌ها بخشی از دنیای درونی هستند یا دنیای بیرونی؟ دنیای بیرونی.

پس اقدام و عمل در واقع «پلی» است بین دنیای درون و دنیای بیرون. پس اگر اقدام این قدر مهم است. چه عاملی از دست زدن به اقدامات که می‌دانیم به انجام آن‌ها نیازمندیم جلوگیری می‌کند؟ ترس، شک و اضطراب، بزرگترین موانع نه تنها بر سر راه موفقیت، بلکه بر سر راه شادی و نشاط است. بنابراین، یکی از بزرگترین اختلافات بین ثروتمندان و فقیران این است که آدم‌های ثروتمند علیرغم ترسی که دارند، تمایل به عمل کردن نیز دارند؛ اما فقیران اجازه می‌دهند که ترس و شک و اضطراب آن‌ها را متوقف کند.

باور شماره ۱۷

❖ ادم های ثروتمند همیشه در حال رشد کردن و یاد گرفتن هستند.

❖ ادم های فقیر فکر می کنند که همه موارد را می دانند.

یکی از خطرناک ترین جملات در سر راه موفقیت این است: من آن را می دانم. صراحتاً بگوییم: اگر واقعاً ثروتمند و شاد نیستید، فرصت خوبی هنوز هست که در مورد پول، اطلاعاتی موفقیت و زندگی به دست آورید. این جمله معروف و مهم را فراموش نکنید که اگر آن طور که دوست دارید موفق باشید، موفق نیستید، موردی وجود دارد که از آن اطلاع ندارید و باید یاد بگیرید. آنچه نیاز دارید این است که راه های جدید را بشناسید و یاد بگیرید؛ به همین دلیل است که من این فایل را تهیه کردم و به رایگان در اختیار شما قرار دادم. هدف من این بود که یک سری باورهای جدید و تازه را در شما ایجاد کنم تا اعمال شما تغییر کند و نتایج بهتری بگیرید. ادامه رشد و یادگیری برای موفقیت ضروری است.

فیزیکدان‌ها اتفاق نظر دارند که هیچ عاملی در دنیا ساکن نیست، هر تکه‌ای از این کائنات همواره در حال تغییر و تحول است. حتی سنگ و فلز سخت که به چشم شما ساکن و بدون تغییر می‌رسد، در حال تغییر است و شما نمی‌توانید ببینید.

هر گیاهی را که می‌خواهید در نظر بگیرید، اگر رشد نکند، به زودی می‌خشکد. همین هم در مورد انسان‌ها و موجودات زنده دیگر صدق می‌کند. تغییر یک جزء لاینفک در کائنات است پس تا دیر نشده و مجبور به تغییر نشده‌اید، خودتان را برای بهبود زندگی‌تان تغییر دهید.

این فایل در سایت **تک رمان** تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت **تک رمان** مراجعه کنید.

TaakRoman.IR

Forums.TaakRoman.IR